

مسئله ملی و مارکسیسم - لنینیسم

روند مذاکرات صلح و دورنمای آن

از طرف لنین و استالین و وقوع انقلاب سوسیالیستی در یک کشور یعنی روسیه، فکر بسیاری از شورسین های انقلابی - مارکسیست را مشوش کرده بود. خیلی ها علیرغم پیروزی انقلاب سوسیالیستی در روسیه به پایداری و تثبیت آن در چهارچوب یک کشور با تردید عمیق نگاه می کردند و خواهان "تازاندن" انقلاب و بقیه در صفحه ۱

(قسمت دوم)
پس از مرگ لنین، استالین در پی تثبیت تئوری "سوسیالیسم در یک کشور" برآمد. بر اساس تزهای ارائه شده از طرف مارکس و انگلس، انقلاب سوسیالیستی می بایستی در سطح بین المللی و یا حداقل در کشورهای پیشرفته صنعتی همزمان بوقوع می پیوست. رد این تئوری

مذاکرات جهت برقراری صلح بیسن رژیم های ایران و عراق، بدون آنکه نتیجه ای از آن حاصل شود، همچنان ادامه دارد. در این رابطه پرزد کونیار اعلام کرد: "مشکلات همانگونه که بود باقی است و اقداماتی که میشود راهبهای گوناگونی استکه برای رسیدن به هدف کلی انتخاب شده اند، اما در باره موضوع شط العرب کارهایی انجام داده ایم که امید داریم طرفین به آن رضایت بدهند. اما روند مذاکرات نشان می دهد که طرفین مذاکره نه تنها هیچگونه رضایتی نسبت به اقدامات دبیر کل سازمان ملل نشان نمیدهند بلکه با پنداشتن مذاکرات صلح بعنوان جبهه ای دیگر از رویارویی خود به تهدید یکدیگر پرداخته و به انحای مختلف سعی در باج گیری از حریف را دارند. عراق که با برتری نظامی در پایان جنگ قرار دارد و با قدرت بیشتری نسبت به ایران به پای میز مذاکره رفته است، خواهان کسب امتیازات خاصی از مذاکرات صلح است. عراق تهدید می کند که اگر ایران به تجدید نظر در قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره در باره شط العرب تن درند، مسیر این رودخانه عظیم را تغییر خواهد داد. در صورت عملی شدن چنین تهدیدی از طرف عراق، دو بندر مهم بقیه در صفحه ۴

بحران نفت و نقش اوپک

بعد ها کشورهای الجزایر، کابن، امارات متحده، نیجریه، لیبی، قطر، ابودبی و اندونزی هم بدان پیوستند. همانگونه که از ترکیب کشورهای تشکیل دهنده اوپک مشخص می شود طبیعی است که اوپک نمی توانست و نمی تواند از سیاست واحد و منسجم برخوردار باشد. کشورهای غنای همیشه بدلیل مشکلات اقتصادی که درگیر آن هستند نمی توانند سقف بقیه در صفحه ۸

سازمان کشورهای صادرکننده نفت، اوپک، در سال ۱۹۶۰ توسط ایران، عربستان سعودی، ونزوئلا، کویت و عراق تشکیل شد. هدف از تشکیل اوپک تعیین و کنترل میزان تولید نفت کشورهای عضو و تثبیت قیمت نفت در بازار جهانی که در واقع اتحادی از کشورهای صاحب این ثروت طبیعی برای مقابله با انحصارات نفت خوار معروف به هفت خواهران بود.

در این شماره:
ملی قووانج هم واطانچیلیق حاقدا در صفحه ۲
سیدی، د و شاعر مبارز با یک تخلص در صفحه ۳
گام سنگین پیشوای بزرگ در صفحه ۵
رویدادهای جهان در صفحه ۱۲

ملی قووانج هم واطانچیلیق حاقدا

شعر زیر برگردان یکی از اشعار
نظر قول لایف استاد دانشگاه زسان و
ادبیات ترکمنی و یکی از محققان برجسته
معاصر ترکمنستان می باشد . نامبرده
صاحب نظر در امور موسیقی و ادبیات
و هنر بوده و تألیفات متعدد و گرانمایی
در زمینه ادبیات کلاسیک خلق ترکمن
دارد . نظر قول لایف یکی از معسود
استادانی است که همه انرژی و فعالیت
علمی خود را وقف شناساندن میسرآت
فرهنگی و ملی خلق خود می کند .

ملی قووانج ، واطانچیلیق هم واطان
دویب مانسین سلجرمشر هراؤنگ پتن
پترلیک دأل ال سؤزلری بیر آیتماق
بؤلعالی شؤلارا اقبالین جاتان
بؤلماسا هر کسینگ ملی قووانجی
انسانننگ قمتلی حاذینه - گنجی
دانا میز لنینینگ آیدنشی یالی
بؤللیپ بیلمز ال حاقیقی واطانجی
آز اؤنگ اؤچین واطانی بیر سؤیمکلیک
ضرور مقدس لیقنام دویماق لایق
یوغسا ینگیل دوشنیز گړک چاغیندا
حاتیراسی اؤچین باشینگ قویماق لایق
مونونگ اؤچین تانامالی واطانی
جانین اؤنگ جانن سبیلن قاتانی

اؤنونگ تویس قووانجی ، بویسانجی بؤلپ
یاشاپ یؤره نلری ، بیری وقت پته نی
بیللی هر سی بیری اویا - شهری
بیزه ساقلاب گیلن کان دپه لری
چونکی بؤلهد یلار اولار بیر زمان
اؤنگ مدنی دورموشونینگ سآحری
اؤرنلی ، اؤرنلی سونغاتین
شای - سپین ، آیدیم - ساز ، حالی سین ، آتین ، . . .
نؤلال ، ناقیش ، بیناچیلیق هناری
دؤریب بو قادیمی تئیراقینگ قاتین
سؤی ، الداکی ، یابان مالین ، قوشونی
یازنی ، تومسونی ، گیزین ، قشینی !
سؤی ملی واطانینگ دنگیز - داغنی
صحرا لرنی ، اکین لرنی ، باغنی
چشمه لرنی ، دریالارین ، کؤل لرن
یاغش ، غارین ، گونشینیگ چوغونی
بیل ، سؤی ، اؤنونگ دسانلارنینگ کؤپوسین
"قورقوت آتا" ، گوراوغلی ، اېوسین
کسایی ، نسیمی ، یونس ، بایرام خان ،
عاند الیب ، پشراغی ، سیدی ، نپسین
اؤنگ شوگونکی آداملارنام سؤی ملی
دردی ، دیوب ، کوی یائینه کوی مه لی
اولار اؤچین گړک بؤلسا ایرنمان
آنگ - ذهین دأل ، جانینگ اورتا قویمالی !
آنا ، شؤندا پللی بولار کیم دیکینگ

آلتین د نغینگ ، کوموش د نغینگ ، قوم د نغینگ
بیل کین ، واطان ، ایل - کون اؤچین یانماسانگ
آدینگ ینتر گوزینگ باقی یومد نغینگ
ایل - ا سانگا اوسن ، اونگادا اوسن
حاقینگی پک تانا ، کیم دیگینی دویسون
اؤنگ اؤز مرتبه نگی ، سؤنگ ایلینگینی
پیکلینگ ، واطانام بیکلر ، بویسان
شؤندا مونی اؤزینگدن اؤنگ دویارلار
دییللی لرتویس واطانجام د بیلر
ایل - گونینگ ، واطانینگ حورمات گنجیندن
دپانگ اوزه چووال - چووال قویارلار
شؤندا دا توتماغین تکینگ کؤگه
باشینگ دنگله شیده قوجه مان داغا
تکیرلیک مرتبه دأل ، نغساندیر
منگزه چک بولغین میوه لی باغا
دییمک ، ملی قووانج ، واطانچیلیق دیر
ملی چلیک بؤلسا اینگ بیس قیلش دیر
تیره پارازلیقام قاوی دأل شؤندان
غایشدیر مانگ تاپاوتی یوقدور
تیره پارازلیق - آنادان لایق ، پس لیک
ملت چتلیک ، مدنیت لی نجیس لیک
ملی قووانج ، ملی دویخی نگ پاک لیگی
بلند لیکن اولچاپ دوران نیسیلیک
* کویزه کارچیلیک
** نقاش چی لایق

دوبدادهای . . .

غیر نظامی جدید در پاکستان را تشکیل
خواهد داد - تأثیر تشکیل این دولت
بر منطقه ، بویژه در مورد مسئله افغانستان
غیر قابل چشم پوشی است - با یک سلسله
قولهایی در زمینه رفاه های سیاسی ، عضو

عمومی زندانیان سیاسی و آزادی احزاب ،
توانست در انتخابات پیروز شود . اما اشغال
مناصبی چون وزارت امور خارجه و . . .
توسط وابستانان به حکومت نظامی
ضیا و الحق جای نگرانی دارد . در ضمن
بی نظیری تو در مورد مسئله افغانستان

رسم اعلام کرد که ، هیچ گونه تغییری در
سیاست این کشور نسبت به مسئله
افغانستان صورت نخواهد گرفت .
ژنو " طرح صلح یاسر عرفات "
یاسر عرفات ، رهبر سازمان آزادی بخش

سیدی دو شاعر مبارز با يك فخر

مقاله زیر گزیده هایی از کتاب "سید نظر سیدی قوشقی لار دیوانی"، (دیوان اشعار) دانشمند گرانقدر خلق ترکمن نور محمد عاشور پور است. این کتاب حاصل زحمات چندین ساله ایشان در زمینه تحقیق در باره ادبیات و هنر خلق ترکمن می باشد. در این کتاب علاوه بر گردآوری اشعار شاعر و درج بیوگرافی سیدی شاعر مبارز خلق ترکمن، با ارائه فاکت‌های تاریخی اثبات می گردد که در عرصه ادبیات کلاسیک خلق ترکمن دو شاعر بزرگ و مبارز بنام سیدی وجود داشته است. بنابراین اقدام بزرگ دانشمند گرامی خلق ترکمن، نورمحمد عاشور پور در تصحیح این اشتباه تاریخی و زنده کردن اشعار و بیوگرافی هر دو شاعر، قابل ستایش و تقدیر و خدمتی بزرگ به خلق ترکمن است. ما بدلیل اهمیت این کتاب، خلاصه ای از آنرا بصورت مقالاتی در "ترکمنستان ایران" بچاپ می رسانیم. امید که برای تمامی علاقمندان به تاریخ و ادبیات خلق ترکمن و پژوهندگان در این زمینه، مفید واقع افتد.

قرن ۱۹ میلادی در تاریخ ادبیات ترکمن مقام ویژه ای را احراز می نماید. در همین قرن است که علائم محسوس سبک رئالیسم (واقع گرایی) در آثار بسیاری از شعرای خلق ترکمن پیدا می شود. از آن جمله است انعکاس وقایع تاریخی در اشعار سخن سرایان آن عصر. بدیگر کلام از همین دوران شکوفایی نظم ترکمنی، ما شاهد

تبدیل حقایق زندگی به حقایق بدیعی می شویم که علائم مثبت آن در میراث ادبی سید نظر سیدی کاملاً مشهود است. وی علاوه بر سرودن اشعار اخلاقی و غزلیهای عاشقانه، اشعار زیادی در باره وقایع تاریخی آورده که خود شاهد و ناظر، حتی شرکت کننده آنها بوده برشته تحریر در آورده است.

سید نظر سیدی شاعری جنگاور است که اشعار حماسه ای خود را اغلب هنگام جنگهای دلاورانه علیه غاصبین و جابربین زمان خود نوشته است. وی مبارزات پیگیر و بی امانی با امرای بخارا و خانهای خویه و حکام قاجار داشته است. این متجاوزین دائماً سرزمین ترکمن را از سه طرف مورد تهاجم و غارت و چپاول قرار داده و مردم را از هستی ساقط می نمودند.

سید نظر سیدی از ترکمنهای ارساری است که یکی از طوایف قدیمی ترکمنهاست. وی در یکی از بخشهای استان چارجوی ترکمنستان شوروی کنونی بنام قره بکاول، حدود سال ۱۷۶۸ میلادی دیده بجهان گشوده و بیشتر عمر خود را در آن منطقه گذرانیده است. سیدی پس از تحصیلات ابتدایی برای کسب علم و دانش، به شهر بخارا که مرکز تجمع دانشمندان و علمای آن زمان آسیای میانه بشمار می رفت، می رود و در مدارس آنجا بتحصیل می پردازد. سیدی، علاوه بر کسب معلومات کفافی از علوم معمولی آن دوران، بطوریکه از مجموعه آثار ادبی او پیدا است، در نتیجه مطالعات

زرف گنجینه های ادبیات مشرق، بویسژه آثار شعرای ترک زبان چون نسیمی، لطفی نوائی، فضولی و ماغتیم قولی پراغی، با تاریخ نظم و نثر فارسی و ترکی آشنایی کامل پیدا می کند.

در اینجا لازم است که به يك مسئله مهم و اشتباه بزرگ تاریخی اشاره شود و آن اینست که در بسیاری از کتب و مقالات منتشر شده، سید نظر سیدی (از طایفه ارساری) و آرتیق محمد سیدی (از طایفه خوجه) يك شخص محسوب شده و آثار ادبی و بیوگرافی آنها بهم آمیخته و بانام سید نظر سیدی چاپ و منتشر شده است. تاریخ این اشتباه از سال ۱۹۲۶ میلادی آغاز می شود. در این سال آثار منتخب سیدی برای اولین بار انتشار یافته است. (۱) در مقدمه این کتاب گفته شده که سیدی از طایفه خوجه بوده و در سال ۱۸۰۸ میلادی بدنیال تحقیق امیر بخارا به خویه گریخته و از آنجا بنا به دعوت ذیلی (از تیره گولکان) که بطور مکاتبه ای با او دوست گردیده بود به نزد گولکانها می رود. اما نویسنده این مقدمه در کتاب دیگری که در سال ۱۹۳۱ منتشر کرده ضمن گفتگو در باره دستخط دیوان اشعار سید نظر، چنین می نویسد: "سیدی از طایفه ارساری، تیره بکاول و از شاخه (چایی) آن می باشد. بهمین مناسبت در زیر نویس کتاب خود خاطر نشان می سازد که نوشته قبلی اش مبنی بر اینکه سیدی از طایفه بته در صفحه ۱۱

روند مذاکرات ۰۰۰

ایران یعنی خرمشهر و آبادان موقعیت گذشته خود را از دست خواهند داد و رودخانه کارون و شط العرب نیز بسرای ایران قابل کشتیرانی نخواهند بود. این هسان حربه ای است که زمانی رژیم شاه عراق را با آن تهدید میکرد و اکنون رژیم عراق آن را علیه ایران بکار گرفته است. ایران که از سر اجبار حاضر بسسه نشستن بر سر میز مذاکره با عراق شده و از موضعی ضعیف نسبت به عراق، بدلیل شکستهای پی در پی خود در آخرین ماههای جنگ، برخوردار است، عرصه مذاکرات صلح را جبهه ای برای جبران شکستهای نظامی خود قلمداد کرده و با گرفتن امتیاز از حریف سعی در تبدیل شکست خود در جنگ به پیروزی در مذاکرات را دارد. اما چون از موضعی قسوی در مذاکرات برخوردار نیست بجای توسل جویی به تهدید حریف، توسل به مظلوم نعلایی و کارشکنی در مذاکرات شده است. لاریجانی می گوید: "در روند مذاکرات صلح تاکنون بیشتر باید از نوعی رکود سخن گفت تا بن بست، این رکود هم به علت مواضع عراق است که روند مذاکرات را کند کرده است."

طرفین مذاکره به بهانه های مختلف راه ادامه مذاکرات را سد میکنند. هر از چندی يك طرف موضوعی را پیش می کشد و ادامه مذاکرات را در گرو حل آن میدانند. جالب اینجاست که در این میان هر دو طرف یکدیگر را متهم به کارشکنی میکنند و هر دو خود را صلح طلب و مخالف جنگ جنوسی دهند. اختلاف بر سر رسیدن به

يك توافق گاه شدید و گاه با شدت کمتری بروز می کند، ولی بدرجه ای نمی رسد و نخواهد رسید که طرفین دست به اسلحه ببرند. چرا که در حال حاضر هردو طرف واقند که جنگ به سودشان نخواهد بود و مجبور به پذیرش صلحی مسلح هستند. اما آغاز مجدد جنگ بین این دو رژیم جنگ افروز در شرایط و زمانی متفاوت با امروز، امر غیرممکنی نیست. اگر رژیم خمینی بتواند از زیر این همه مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کمر راست بکند و با تبلیغات شوونیستی - مذهبی افکار عقب مانده ترین اقشار و طبقات ایران را برای شروع مجدد جنگ آماده سازد، آیا باز هم سودای فتح کربلا و "مدور اسلام عزیز" را نخواهد کرد؟ و آیا رژیم عراق و بویژه صدام حسین برای همیشه رؤیای گسترش مرزهای عراق بحساب ایران و سرداری قادیسیه و به عهد گرفتن نقش ژاندارمی منطقه در شرایط ضعیف ایران در صحنه سیاسی خاورمیانه فراموش کرده است؟ بهر حال در شرایط فعلی هر دو رژیم را یارای آن نیست که دوباره تویها را به غرش درآورند. وضعیت بین المللی و افکار عمومی نیز چنین اجازه ای را نمی دهد. بنابراین روند مذاکرات گرچه با کندی بسیار، ولی همچنان ادامه خواهد یافت. توافق های جزئی که در رابطه با مبادله اسرای جنگی صورت گرفته مؤید این امر است. نماینده پرزد کوشیار اعلام کرد: "توافق دو طرف برای مبادله اسرای معلول و بیمار جو نامساعد در مذاکرات ژنو را تا حد

زیادی آرام کرد. و زمینه را برای توافق های بعدی فراهم آورده است." اما در این زمینه نیز خوشبینی نماینده دبیرکل سازمان ملل دیری نپایید و این توافق اینبار دستخوش نارزشی رژیم ایران قرار گرفت. ایران هنگام تحویل اسرای معلول، از استرداد تعداد تعیین شده سر باز زد و اعلام داشت که تعدادی از اسرای معلول عراقی یا تقاضای پناهندگی سیاسی از ایران کرده اند و یا مداوا شده و دیگر جزو معلولین بحساب نمی آیند.

رکود و بن بست در امر مذاکرات صلح و کارشکنی های این دو رژیم جنایتکار در حالست که میلیونها نفر در سراسر جهان به همراه مردم ایران و عراق، صدها هزار نفر در دوسوی جبهه در حالی که تفنگها را بر روی هم نشانه رفته اند، نگران پیشرفت امر مذاکره و در انتظار برقراری صلحی پایدار بسر می برند. اما ایسن دو رژیم، همانگونه که در طول هشت سال به ندای صلح خواهی جهان و مردم ایرانش و عراق و سازمانهای بین المللی و کشور های صلح طلب جهان وقعی ننهادند و در ادامه جنگ خونین و نافرجام پسای فشرده، با توجه به اینکه امر مذاکره برقرار برقراری صلح را نیز همانند سنگری دیگر از جبهه های خونین خود می پندارند، در طولانیتر کردن آن نیز خود داری نخواهند کرد. بنابراین با توجه به روند مذاکرات تحمیلی بر هر دو رژیم ایران و عراق و کارشکنی های این دو رژیم در این مورد، نباید انتظار داشت که مذاکرات صلح بزودی به نتیجه ای قطعی منجر شود.

گام سنگین پیشوای بزرگ

"در رابطه با چگونگی تبدیل استالین به پیشوای بزرگ"

ترجمه زیرین مربوط به صاحب خیرنگار روزنامه ادبی حزب کمونیست شوروی "فرهنگ شوروی"، ۱۰ اکتوبر ۱۹۸۸ است که با پروفسور "نیکلای گریگوریویچ پاولنکو" محقق و کارشناس نظامی انجام گرفته است. مقاله شما که در مجله "کمونیست" (شماره ۹، ۱۹۸۸) تحت عنوان "فاز اول جنگ" چاپ شده بود، در مسن در رابطه با مسئله کیفیت و چگونگی اعمال رهبری بر افراد، فکر مبتنی بر اهمیت و ویژگی غیر قابل قیاس و عظیم رهبری در ارتباط با نبرد نظامی را بوجود آورد. عواقب ناگوار و وخیم عدم کاردانی رهبری استراتژیک را در بحبوحه جنگ تاریخ نیز نشان می دهد.

من نظر "انگلس" را در ارتباط با جنگ ایتالیا (۱۸۵۹) یادآور می شوم. در نبرد حوالی "سالفرین" امپراطور جوان و خام اندیش اطریش، "فرانتس یوسیف"، در بحبوحه جنگ اعلام کرد که او بدتر از نظامیان حرفه ای اعمال رهبری نخواهد کرد و تصمیمات نادرست اتخاذ نخواهد نمود. ولی آنطور که ف. انگلس در این باره گفته است: "ارتش اطریش نه از طرف متحدین (فرانسوی ها و ساردینی ها)، بلکه دقیقاً بخاطر بسی لیاقتی و کله شقی امپراطور خودی، سزاوار شکست گردید."

چ - آنچه که شما می خواهید بگویید برای من مفهوم است. استالین نیز خود را رهبر کبیری حساب می کرد؛ اما متأسفانه دانش نظامی حرفه ای نداشت.

مسائل را نیز نمی توانست با درایت و دور اندیشی و تیزهوشی لازمه و قلبی احساس کند؛ و البته کسیکه از این خصایص محروم باشد، قاعدتاً نمی تواند لیاقت رهبری را داشته باشد.

س - در بیوگرافی استالین در رابطه با سالهای جنگ داخلی و ویژه دور فعالیت وی در "تزاریتسین" اینگونه مطرح شده بود که: "اراده پولادین استالین، تیزهوشی و بیداری وی در شناختن مسائل قبل از وقوع آن، تزاریتسین را از سفیدها حفظ کرد و سد راه پیشروی آنان به مسکو گردید."

چ - صحبت را از تصمیم بی باکانه و داهیانۀ لنین در سالهای پر آشوب جنگ داخلی و از جذب حدود ۶۰ هزار نفر از افسران و مقامات ارتش تزاری به مغوف ارتش سرخ آغاز کنیم که تصمیمی شجاعانه و عاقلانه بوده و در این رابطه بود که فرماندهی جبهه جنوب به ژنرال سابق تزاری "ب. پ. سیتین" واگذار گردید که در اوایل انقلاب بخاطر داشتن سمپاتی به حاکمیت شوراهای در صف هواداران حکومت شوروی قرار گرفت و بدین خاطر از طرف سرفرماندهی سفید فرمانده غیر قانونی و قانون شکن اعلام گردید. او همراه با عضو شورای نظامی - انقلابی جمهوری روسیه شوروی "ک. ا. میخانوشین" فرمانده ارتش سرخ "یکوروف" در ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۸ وارد تزاریتسین گردید. فردای آن روز، صبح زود جلسه شورای نظامی - انقلابی جبهه جنوب برگزار می گردید. در این

جلسه علاوه بر "سیتین" معاون وی "واروشیلیوف"، استالین و رهبر شورای نظامی - انقلابی تزاریتسین "س. ک. مینین" شرکت داشتند. در جلسه اول سورا، سیتین با قاطعیت تمام خواهان آن میگردد که در امر فرماندهی نظامی، شخص ثالثی حق دخالت نداشته باشد و اختیارات کامل در رابطه با پیشبرد عملیات نظامی در جبهه جنوب بر عهده وی باشد. اما استالین، مینین و واروشیلیوف بر این اعتقاد بودند که فرماندهی باید به شکل جمعی اتخاذ گردد. میخانوشین برای حل مسئله مزبور، جهت تماس و گفتگو با مسکو عازم "بالاشوا" می گردد. استالین بلافاصله در اول اکتبر (مصادف با سومین روز ورود "سیتین" به تزاریتسین) در غیاب میخانوشین، خواستار نشست شورای نظامی انقلابی می شود و سیتین را از فرماندهی برکنار و بجای او واروشیلیوف را به فرماندهی جبهه جنوب می گمارد.

بدین ترتیب بنا بر ابتکار استالین که در آن زمان مسئول تأمین خواروبار جنوب روسیه بود، سیاست تضییق تصفیۀ متخصصین نظامی بعد وسیعی می یابد و سیاست تروریستی "بارزا" (سیاست زندانهای شانور) اوج گرفته و تیرباران متخصصین نظامی آغاز می گردد. کارشناس بزرگ نظامی، ژنرال سابق تزاری و فرمانده نظامی ناحیه نظامی شمال قفقاز "ا. ی. اسناروف" نیز جزو دشمنان خلق اعلام می گردد.

بقیه در صفحه ۱۰

حق تعیین سرنوشت بدست خودیست حق همه ملی است

مسئله ملی و ۰۰۰

سدر آن به دیگر نقاط جهان بودند . البته تکیه استالین روی "سوسیالیسم در یک کشور" به معنی رد تئوری "انقلاب جهانی" نبود . او معتقد بود که پیروزی انقلاب سوسیالیستی در روسیه بشرتی است برای انقلاب جهانی . به عقیده استالین "انقلاب جهانی" می بایست پروسه ای طولانی را طی کند که در آن دو سیستم متضاد سرمایه داری و سوسیالیسم بسهه مقابلۀ بطنی ای خواهند پرداخت . تمامی دول موجود در جهان نیز بنا به ماهیت و فرم خود بین این دو قطب تقسیم شده و جانب یکی از آنها را خواهند گرفت . بدینسان با پیروزی انقلاب اکبر و روی کار آمدن حزب کمونیست ، تعریف کلاسیک "انقلاب جهانی" نیز دستخوش تغییر می گردد . پس ، تنها تعریف "حق تعیین سرنوشت ملل" نبود که دچار تغییر شده بود . * این نوع تغییرات طبق فلسفه کمونیستی قابل توجیه و تبیین است . اساس فلسفه مارکسیستی - لنینیستی بردیالکتیک استوار است . "دیالکتیک مارکسیستی جهان" را بدان گونه که هست یعنی در حرکت و تغییر و رشد و گسترش . دایمی آن مطالعه می کند . لنین می گوید : برای شناخت واقعی شیئی باید آن را در تکامل و حرکت و تغییر در نظر گرفت . " (۱) و استالین جهت پیشبرد اهداف خویش کمال استفاده از این اصل را می کند . در مقابلۀ دو قطب متضاد ، پیروزی تنها در شرایطی عاید سوسیالیسم میشد که ثقل آن یعنی روسیه سوسیالیستی حمایت و تقویت می گشت . برای استالین در شرایط حساس

آن روزی ، مهم شوروی و تقویت و تحکیم و تثبیت آن بود . اکنون دولت نوینپاد شوروی سوسیالیستی الگوی انقلاب سوسیالیسم بود و می بایست با تمام قوا حراست شود . موج بزرگی از سمپاتی نسبت به شوروی نیز در سراسر جهان به راه افتاده بود . بنابراین مناسب ترین شرایط جهت تبدیل حکومت شوراها به ستاد مرکزی "انقلاب جهانی" فراهم آمده بود . و استالین این موقعیت را درک کرده ، در جهت بهره برداری از آن برآمد .

پیش کشیده شدن تئوری سوسیالیسم در یک کشور " در میان مردم شوروی نیز به مانعی برخورد نکرد . این تئوری حتی عاملی شد جهت بروز مجدد احساسات میهن پرستی روسی ؛ این بار ولسی در سایه "سوسیالیسم در یک کشور" و بنا توجیهات مارکسیستی - لنینیستی . از این تاریخ به بعد بتدریج اصطلاحات " میهن پرستی " و "عشق به وطن" دوباره بر سر زبان ها جاری شده و دیگر حالت تابیونی نداشتند . البته این " میهن پرستی " سراسر اتحاد شوروی را ، بدون استثناء اقلیت های ملی ، شامل میشد . در واقع ، میهن پرستی " میهن پرستی شوروی " عنوان می شد نه میهن پرستی ملت خاصی . همانطور که تعاریف برخی از مقولات تغییر می یافت ، مفاهیم بعضی از واژه ها نیز دستخوش تغییر بود . میهن پرستی روسی اکنون تبدیل شده بود به " میهن پرستی شوروی " ! اینکه آیا چنین تغییرات خودسرانه ای پایه علمی دارد یا خیر در خور بحث است .

در سرمقاله پراودا (۱۹ / ۲ / ۱۹۳۵) میهن پرستی شوروی چنین تعریف شده بود : " احساس آتشین عشق بی حد و مرز اطاعت بی چون و چرا در قبال وطن ، احساس مسئولیت عمیق در برابر سرنوشت میهن و دفاع از آن ! "

ایده تحکیم و تثبیت "سوسیالیسم در یک کشور" زیرکانه ترین عملی بود که استالین در آن شرایط بداند دست زده بود . زیرا : اولاً ، با دادن شعارهای تخیلی و غیر قابل تحقق ، یعنی ادامه انقلاب سوسیالیستی و تبدیل آن بسهه انقلاب جهانی ، حکومت نوینپاد سوسیالیستی به مآزره جدی می افتاد ؛ ثانیاً ، مردم شوروی بیوزنه روس ها منته تنها به مقوله سوسیالیسم به عنوان پدید های غریب بلکه به مثابه دنباله و مکمل میهن پرستی روسی نگاه می کردند ؛ ثالثاً ، احساس آتشین عشق بی حد و مرز " میهن پرستی شوروی " ، عشق آتشین به حزب و استالین را بدنبال داشت ؛ رابعاً ، این عشق میهن پرستی شوروی مرزهای ملی در سراسر اتحاد شوروی را درهم نوردیده و مرزها و مسائل ملی را تحت الشعاع خود قرار می داد و مآلاً همه اقلیت های ملی غیر روس نیز می توانستند در این " احساس آتشین " سهیم باشند ؛ خامساً ، ستاد مرکزی "انقلاب جهانی" یعنی اتحاد شوروی تحت فرماندهی استالین از طرف جنبش جهانی کمونیستی به رسمیت شناخته میشد . در همین رابطه بود که استالین گفته بود : " انقلابیون همه کشورها با امیدواری تمام به اتحاد شوروی به عنوان مرکز بارزۀ رهایی بخش زحمتکشان جهان نگاه میکنند بنیه در صفحه ۹

صحرامینگ

تولیا قادی با بحر خازار د نکزتنه
چهار پاسلی یازمه منگزار صحرامینگ
بهار گنده یانشل اوو سر چول لری
داغان اینر بالی یازده صحرامینگ

چول لرینده گزیر دورلی - دورلی مال لاری
داغانرینده باردر آزدر ارسلان - بازار لری
چوشیب گلسه اترک گتیر یارلی
ساجاتی دورلی نغمت - ایله صحرامینگ

گرچکلری باردر ارسلان یورک لی
قاید و سیز - دینو سیز - ایله گرک لی
بللید تر هر ایشده پنجه د ثرنقلی
کویچنگه کویچ قوشیار واسپی صحرامینگ

دوشمان هیس اددی گولینگ قیرمانا
ضارب اوردی چولینکده قانیک دوکمانه
نامش یول پرمدی میندی غایراتا
کویچنگه کویچ قوشیار ترکمن صحرامینگ

رویدادهای ...

فلسطین، طی سخنانی خود در مجمع
عمومی سازمان ملل، طرحی را به منظور
برقراری صلح و حل مسئله فلسطین ارائه
داد.

این طرح که با استقبال عمومی
کشورهای شرکت کنند، مواجه گشت،
نام سه مرحله می باشد:

۱- ایجاد کمیونی جهت آماد سازی
تشکیل کنفرانس بین المللی.

۲- خروج اشغالگران اسرائیلی از سر
زمینهای اشغالی و اداره این مناطق
توسط سازمان ملل متحد.

۳- تشکیل کنفرانس صلح از طرف سازمان
ملل متحد و تصیم این کنفرانس در مورد

گام سنگین ...

ماه قبل از آنکه پرونده تهیه شده از طرف
گشتاپو علیه توخاچفسکی بدست استالین
برسد، افراد ریوتو، پریماکف را کسه
فرمانده لشکر بوده است بزور مجبوسو ر
می کنند که توخاچفسکی و یاکیر را مورد
اتهام و افترا قرار دهد. من موفق شدم
با ژنرال - ستوان "و. س. گونینویچ"
که تنها شاهد زنده محاکمه توخاچفسکی
و دیگران بود، ملاقات و مصاحبه ای ترتیب
دهم. من در این ملاقات قبل از شروع
گفتگو، برای آشنایی فصلی از کتاب "التر
هاکن" بنام "حقه بازی با توخاچفسکی" را
به او دادم که دربرگیرنده مطالب مربوط
به جمع آوری مدارک جعلی و پاپوش سازی
در باره توخاچفسکی بود. گولوشکویچ
پس از آشنا شدن با مدارک و اسناد
تهمت و افترا اظهار داشت که در حین
محاکمه اشاره ای به نامه های جعل شده
محکومین به ژنرالهای آلمانی نگردیده و

"اسناد" دال برگرفتن پول و تمهد از
آنان نیز نشان داده نشده است. بنسبا
بگفته او پروسه محاکمه بطور فشرده طی
شده و اثبات حقیقت برای دادگاه مزبور
ضرورتی نداشته و تمامی مراحل آن از قبل
تدارک یافته و تصمیمات لازمه نیز از پیش
انتخاذ شده بود. کلا بیدادگاه نمایشی
عاری از هرگونه حقیقت جویی و عدالت
بوده است. بعنوان مثال یکی از شا
هد بینی که او هم جزو دستگیر شدگان بود
وقتی که علیه توخاچفسکی شهادت میدهد
از شرم حتی جرأت نگاه کردن به چشم
فرمانده را نداشته و زیر لبی کلماتی
بقیه در صفحه ۱۱

زحمتنگ اوشمارش بریار برکت
گومانسیر پترس آق کونه راحت
عاجاب زاندر بیئسه بیزده قاناحات
آرقاسینده آرقاداشی صحرامینگ
دورت یلدوزی باردر سوقات توینده
نور ساجیب دوراندر آسمان یوزینده
یورچنگه یولدر یاختی یولینده
آسمان یوزی یلد تزلید تر صحرامینگ

بورگوتلری گزدی بیک بال بیلن
گرچک لری تعلیم آراسان بیلن
شهید لری باردر هیچ جیقماز یاددان
ارکنن بورگوتلرینگ - ارکنن صحرامینگ

آدینگه جان، تیراقتنگا قان رای بیک صحرا
ارکنن جنارلارینگ بکانی سینگ سن
گچمشینگه قووانیار خاشرکی نسل
ارکنن لیک بایداغی پارلار صحرامینگ
ایلیم

جزئیات توافق بر سر روابط اسرائیل و
دولت فلسطین.

در حالی که طرح صلح عرفات بسا
استقبال بسیاری از کشورهای افکسار
عمومی جهان رویرو شده، موجب عکس
العمل شدید نخست وزیر اسرائیل نیز
فرار گرفت. او مخالفت خود را بنا این
طرح به بهانه اینکه "عرفات هیچ یک از
شرایط آمیکا را برای شروع مذاکره
نپذیرفته" رد کرد.

سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا
نیز با دو پهلو نامیدن "طرح صلح
عرفات" ادامه حمایت آشکار خود را از رژیم
مسیونستی اسرائیل اعلام کرد.

بحران نفت و ۰۰۰

تولید را در یک اندازه معینی نگه دارند. نوسان ارزش دلار و نیاز ارزی کشورهای عضو اوپک را مجبور می کند که خارج از چارچوب توافق های حاصله به تولید و استخراج نفت و عرضه آن به بازار بپردازند. این اضافه عرضه خود بخود در سطح جهانی نیز تأثیر می گذارد و در مقاطعی هم خود اوپک در نتیجه اصرار و پافشاری یکی از کشورهای عضو مجبور شده است که برای جلوگیری از بهم پاشیدگی و حفظ یکپارچگی آن سهمیه کشور مزبور را افزایش دهد. مثلاً در نظام سهمیه بندی اوپک که در سال ۱۹۸۲ صورت گرفت، عراق و ایران دارای سهمیه ۱/۲ میلیون بشکه بر مبنای تولید روزانه ۱/۲ میلیون بشکه بودند. سهمیه نفت ایران در اجلاس ماه مارس ۱۹۸۳ به ۲/۴ میلیون افزایش داده شد. افزایش سهمیه ایران باعث شد که قیمت نفت در بازار جهانی از ۳۴ دلار به ۲۹ دلار کاهش پیدا کند.

شروع جنگ ایران و عراق و هشت سال ادامه آن، بحرانی را که اوپک کم و بیش با آن درگیر بود بصورت حادثه تری شدت بخشید. ج.ا.ع و عراق بعزت درگیر بودن در جنگ نمی توانستند حتی به اندازه سهمیه تعیین شده خود نفت تولید کنند؛ از سوی دیگر آنها مجبور بودند به سبب تأمین مخارج جنگ به تولید خود بیفزایند و نفت بیشتری را به قیمت هر چه نازلتری بفروشند.

عراق که بلحاظ ذخایر نفتی، پس از عربستان در رده دوم قرار دارد از اواخر سال ۱۹۸۶ از پذیرش صوبیات اوپک امتناع کرد و خواستار سهمیه تولید بیشتر

یعنی سهمیه ای مساوی با ایران شد. ایران ابتدا با این خواست عراق مخالفت کرد ولی سرانجام و بعد از برقراری آتش بس مجبور شد که بدان تن دهد. در حال حاضر شکنندگی تصمیمات اوپک بیش از هر زمان دیگری احساس می شود.

عدم هماهنگی در پیش گرفتن سیاستی واحد به حدی است که موجودیت اوپک نیز به خطر افتاده است. به گفته سیلوانو لوکمان سیاست فعلی نیجریه در مورد خود داری از اضافه تولید و رعایت مقررات سهمیه بندی اوپک کاملاً منطقی و صحیح است و روشی که هم اکنون از سوی اغلب اعضا سازمان در پیش گرفته شده و اکثر آنها به اضافه تولید دست زده اند بهای نفت خام را در بازار آزاد جهانی به کمتر از ۹ دلار برای هر بشکه کاهش خواهد داد. تشکیل اجلاس اوپک در اواخر آبان ماه ۶۷ در وین تلاشی بود برای غلبه بر بحرانی که اوپک دچار آن گردیده است. با اینکه در این اجلاس ایران مجبور شد که به تولید مساوی با عراق تن در دهد و قرار شد که سقف تولید کشورهای عضو بیشتر از ۱۸ میلیون بشکه در روز نباشد ولی نمی توان انتظار آنرا داشت که این تصمیمات از جانب کشورهای عضو مورد اجرا گذاشته شود. چرا که هم ایران و هم عراق برای بازسازی کشور ویران شده خود به مقدار زیادی ارز نیاز دارند و این خود باعث تولید و عرضه بیشتر از میزان تعیین شده نفت از جانب این کشورها به بازارهای نفتی را ایجاد می کند.

بنا به گزارش فاینشال تایمز، میزان تولید نفت ایران بیش از سقف تعیین شده

از طرف اوپک است. به نوشته روزنامه تایمز لندن نیز، بسیاری از مالک خریدار نفت معتقدند که توافق انجام شده در کنفرانس اخیر اوپک در وین بسیار شکننده است و می بایستی هر آن انتظار آنرا داشت تا خبر عدم رعایت سقف تولید و یا ارتکاب تقلب از سوی یکی از اعضا سازمان به خارج درز کند. چنین رویدادی بر میزان عرضه نفت در بازار جهانی خواهد افزود. و بدنبال آن بهای نفت خام تنزل خواهد کرد. از جانب دیگر عربستان سعودی که بزرگترین تولیدکننده نفت است تهدید کرده است که اگر کشورهای عضو سهمیه بندی مورد توافق را رعایت نکنند به افزایش تولید دست خواهد زد و بازار را از نفت اشباع خواهد نمود. بدنبال این تهدید بود که عربستان سعودی اعلام داشت که تولید نفت خود را از ۴/۳ میلیون بشکه در روز که سهمیه آن کشور است به ۵/۷ میلیون بشکه در روز خواهد رساند. بعد از کنفرانس اخیر اوپک میزان تولید کشورهای عضو اوپک به ۲۳ میلیون بشکه در روز رسید، که این مقدار ۵ میلیون بشکه اضافه بر سقف تولید می باشد. البته این مقدار بعد از تهدیدهای عربستان سعودی به مقدار قابل توجهی کاهش پیدا نمود و مجموعاً به روزی ۱۹/۸۹ میلیون بشکه در روز رسید. ولی باز همین مقدار نیز ۱/۷ میلیون بشکه بیشتر از حدی است که اوپک با توجه به تقاضای نفت در جهان تعیین کرده است.

با توجه به مشکلات و مسائلی که کشورهای عضو درگیر آن هستند و از آنجایی که نفت تنها منبع درآمد آنها بوده و

مسئله ملی و ۰۰۰

و آن را بعنوان تنها وطن مادری خویش تلقی می کنند . (۲)

استالین همچنین سعی کرد تا پیوندی نیز بین "میهن پرستی شوروی" و "ملت" برقرار کند . تا بدینوسیله تقییم توجیه علمی آن نیز برطرف شده باشد .
تعریف معروف او از واژه "ملت" نیز در خدمت این هدف عمل می کرد : "سار - کیفیت های روسی" - دیر زمانست از خود تئوری ملت دارند . به موجب این تئوری ملت اشتراک پایداری است از افراد که در اثر عوامل تاریخی ترکیب یافته و بر اساس اشتراک چهار علامت اساسی زیرین پدید آمده است : اشتراک زبان ، اشتراک سرزمین ، اشتراک زندگی اقتصادی و اشتراک ساختمان روحی که به صورت اشتراک در خصوصیات ویژه فرهنگ ملی متجلی می گردد . (۳)
بزم استالین نبود حتی یکی از علامات چهارگانه فوق "ملت" را از هم می پاشد ! " برای مثال گرجی ها را در نظر بگیریم . گرجی ها قبل از فرسرم در سرزمین مشترکی زندگی نموده و به زبان واحدی گفتگو می نمودند ، با وجود این ، تشکیل ملت واحدی را به معنای خاص این کلمه نمیدادند ، زیرا بیک سلسله شاهزادگان و نسل های مجزا از یکدیگر تقسیم شده بودند و نمی توانستند زندگی مشترک اقتصادی داشته باشند . . . گرجستان فقط در نیمه دوم قرن نوزدهم ، هنگامی که سقوط سرواژ و رشد زندگی اقتصادی کشور و توسعه طرق ارتباطی و پیدایش سرمایه داری تقسیم کار را در بین نواحی مختلف گرجستان برقرار نمود و در نتیجه بکلی محدودیت اقتصادی شاهزادگان

نتین ها را متزلزل ساخت و آنها را در یک واحد اقتصادی بهم وابسته نمود ، بعنوان يك ملت ظهور کرد ! (۴)
بنابراین نبود حتی يك علامت از علامات چهارگانه ملت ، می تواند به دلخواه ملتی را که قرن هادار کنار هم زندگی کرده و زبان و فرهنگ دارند از هم پیاشد و آن را به چند ملت تقسیم کند ! " حتی فقدان یکی از این علامت کافیتست که يك ملت ، دیگر ملت نباشد ! (۵)
اینکه این "ملت های جدید" تقسیم شده چه عنوانی خواهند داشت ، جای سؤال جدی است ! درست است که "مارکسیسم جهان را در حرکت و تغییر دائمی مطالعه میکند" ولی این بدان مفهوم نیست که ملت بدان بزرگی را که با میلیون ها نفر وجود عینی و خارجی دارد ، بکمک يك عامل تئوری انتزاعی چند پارچه کرد و عنوان ملت بودن را از آن ستانند ! البته جواب استالین در این رابطه ایسز است : "ضمنا این نکته بخودی خود مفهوم است که ملت هم مانند هر پدیده تاریخی تابع قانون تغییرات است ، برای خود تاریخ دارد ، آغاز دارد و پایان دارد ! (۶)
علیرغم کوشش های استالین در جهت توجیه تئوریک پیوند "ملت" و "میهن پرستی شوروی" مرزها و خصوصیات ملی به عبارتی دیگر ملت های مختلف همچنان پسا برجا ماندند و بود یا نبود يك یا دو عامل استالینی "تشکیل دهند" ملت ، قادر نبود ملت جدیدی برویاند و یا ملتی را از صحنه خارج سازد ! به همین دلیل هم بود که بعد ها استالین و تئورسین های حزبی ترجیح دادند بجای واژه "ملت" از واژه "خلق" و "خلق ها" استفاده کنند . این واژه دیگر خود را به چهارچوب شخصی

مقید نمیکرد و دارای علامات چهارگانه بدون تغییر هم نبود . میشد آن را به هر سوی چرخاند و هر تعریف دلخواهی از آن بدست داد .

ادامه دارد

* در باره چگونگی تغییر تعریف "حقوق تعیین سرنوشت ملل" ، در شماره ۱۴ ترکمنستان ایران صحبت بعمل آمد .

* استالین علیرغم گرجی بودن خود را به روس ها نسبت می داد !

* یعنی قبل از لغو حق سرواژ در گرجستان .

(۱) - امیر نیک آیین ، ماتریالیسم دیا - لکتیک ، ص ۱۳۱

(۲) - استالین ، مجموعه آثار ، جلد ۱۳ ص ۹۴

(۳) - استالین ، مسئله ملی و لنینسیم ص ۱۱

(۴) - استالین ، مارکسیسم و مسئله ملی ص ۴ و ۵

(۵) - همانجا

(۶) - همانجا

بحران نفت و ۰۰۰

از لحاظ اقتصادی نیز همه از پایه رشد ضعیف و از همه مهتر از صنعت وابستگای برخوردارند ، نمی توانند در چارجسوب روابط اقتصادی حاکم بر بازار جهانی از سیاست مستقل و واحدی بیروی کنند . اما این کشورها مجبورند ولو جهت سرسازمان دادن نسبی به اقتصاد بیمار خود ، با هم مدارا کنند و سیاست نسبتا همگونی در عرضه تولید و عرضه نفت در پیشگیرند .

گام سنگین

س - در آن زمان یعنی در سال ۱۹۱۸، اسناروف به سختی خود را از زیر این صربه بیرون می آورد و جان سالم بدر می برد؛ اما سیتین، میخانوشین، اسناروف - یعنی همه کسانی که برای بهبود اوضاع در تزاریتین تلاش فراوان نمودند - در سال ۱۹۲۰ با اتهام پوی و وابستگی به "سازمان سلطنت طلبان" تیرباران می گردند.

ج - بله، در اوایل سال ۱۹۲۰ من موفق شدم که با دختر و نوه "سیتین" ملاقات کنم و در جریان این ملاقات از سرنوشت تراژدیک سیتین مطلع گشتم.

در سال ۱۹۲۰ من در آموزشگاه نظامی توپخانه کیف (اوکراین) تحصیل می کردم. در اوایل بدلیل جوانی و بی تجربگی از نبود مریبان نظامی در ساعات درس تعجب می کردم. تنها بعد ها از بازداشت و تیرباران آنها مطلع گشتم. آکادمی نظامی دیگری نیز بنام فروزه، پس از حدود ۷-۸ ماه، مانند آموزشگاه ما خالی از استاد گردید.

بازداشت شدگان سال ۱۹۲۰، اکثراً کسانی بودند که داوطلبانه در سالهای جنگ داخلی به صفوف ارتش سرخ و ارد گشتند و شامل مریبان و متخصصین نظامی آموزشگاههای نظامی بودند. در جمع مجازات شدگان افراد برجسته و مشهوری چون: ورخوفسکی، کاکورین، لیگ ناو لوکیرسکی، ساپوزنیکوف، سوچین، اسناروف، سوخوف و غیره بودند. سوچین، ژنرال - سرگرد ارتش سابق روس پسود و از مارس ۱۹۱۸ در صف ارتش سرخ خدمت می کرد و نویسنده آثار زیادی در

باره تئوری نظامی و مسائل تاریخ نظامی می باشد. ژنرال - ستوان دوم ارتش سابق روس، "اسناروف" شخصیت ویژه ای بود. او در آوریل ۱۹۱۸ وارد ارتش سرخ گردید. وی در سالهای (۱۹۱۹-۲۱) مسئول آکادمی نظامی ستاد کل ارتش سرخ گردید. به موقعیت نظامی - جغرافیایی آسیا آشنایی و علاقه خاصی داشت و همچنین به چهارده زبان تسلط داشت.

متخصصین نظامی که من از آنان یاد کردم، به غیر از ژنرال - سرگرد "سوخوف" که با هزاران مشکل و بدبختی دست به گریبان بود و سالهای زیادی از زندانی به زندان دیگر و از اردوگاهی به اردوگاه دیگر فرستاده می شد و جان سالم بدر برد، بقیه آنان همگی قربانی ترور استالینی شدند.

س - در جمع قربانیان میلیونی، "میخائیل نیکلایویچ توخاچفسکی"، با استعدادترین شخصیت آندوره بود. بر اساس مطالب نوشته شده در باره "مسئله توخاچوفسکی" در رسانه های گروهی و مطبوعات کشور - های خارجی (غربی)، بدبینی و عدم اعتماد آمیخته با خود بینی و کیش شخصیت استالین و نیز نقشی که عملاً سازمان جاسوسی آلمان برای سوءاستفاده از تفکر استالینی در این رابطه ایفا نموده است، گویا تأثیر کمی در تیرباران توخاچفسکی نداشته است؛ آیا این مسئله واقعیت دارد؟

ج - این نوشته ها تنها بیانگر بخش کوچکی و ناجیزی از این حقیقت انکارناپذیر است. روابط فیما بین توخاچفسکی از یکطرف و استالین و واروشیلیوف از طرف

دیگر، در سال ۱۹۲۰ در رابطه با مسئله لستان بخاطر بروز اختلافات شدید، به تیرگی گراییده بود. در سال ۱۹۲۰ تفکر بدبینانه استالین نسبت به توخاچفسکی تکامل یافت. در این بین واروشیلیوف نیز که از فرمانده چندان دل خوشی نداشت، استالین را در این رابطه تشویق و تحریک کرد. افترا و تهمت مطبوعات غربی نیز که در تابعیت از منافع بورژوازی عمل می کرد، نیز شدت یسافته و توخاچفسکی را بعنوان "بناپارت سرخ" مطرح و ترسیم کردند. گویی که سرنوشت برای توخاچفسکی از پیش تعیین کرده بود که او بار دیگر پروسه بناپارت را در قدرت گیری طی کند. شخص استالین از آنچه که مطبوعات خارجی در باره کادرهای نظامی شوروی و بویژه توخاچفسکی می نوشتند، بخوبی آگاه بود و البته این مسائل در استالین تأثیر خود را می نهاد. از سال ۱۹۲۰ که دستگیری و زندانی کیسردن متخصصین نظامی شدت گرفته بود و همچنین در سال ۱۹۲۶ که فرمانده "قزاقهای سرخ" پریماکف دستگیر و زندانی شد، پروسه اتهام زنی و خالی کردن زیر پای توخاچفسکی نیز ادامه داشت.

پاپوش درست کردن و پرونده سازی آلمانی ها، بهانه خوبی برای استالین گردید. بنا به شهادت نویسندگان ای بنام "دوبیتسکی"، هنوز پیش از شکل گیری کامل توطئه گشتاپو علیه "یاکیر" و توخاچفسکی افراد وابسته به "یژوف"، از زندانیان نظامی عالیرتبه که در اسارت آنان بودند، اطلاعات لازم را بزور کسب کرده بودند. بعنوان مثال در سال ۱۹۲۶، یحیی ۹ بقیه در صفحه ۷

سیدی دو ۰۰۰

حوجه است، اشتباه بوده و نام شاعر را نیز سید نظر قید نموده است. غافل از اینکه شاعر دیگری بنام آرتیق محمد سیدی (سیدی حوجه) وجود داشته و در ترکمن صحرا زندگی می کرده است و علیسرغم نوشته های مؤلف این کتاب، نام سیدی حوجه از مدتها پیش برای دانشمندان شناخته شده بود و اولین بار نام او بوسیله خاورشناس شهیر، آکادمیسین آن، سامولیلو بیچ برده شده است. وی در کتاب دیگر خود بنام "بررسی هایی در باره تاریخ ادبیات ترکمنی"، نیز به همین مناسبت مطالبی نگاشته است. با وجود این، خطائیکه سالها پیش، توسط یک نفر که شاید گفته های سرجنبه سویرکتیو و ملی - کرائی تنگ نظرانه ای نیز داشته باشد، تاکنون ادامه یافته است. اما حقیقت امر از چه قرار است؟

بهترین و مستندترین مدرک برای اثبات صحت و سقم این مطلب، خود آثار باقیمانده شاعر است. خوشبختانه دو نسخه خطی از دیوان اشعار سید نظر سیدی موجود است که هر دوی آنها تقریباً سی سال و اندی پس از درگذشت شاعر رونویسی شده اند. هر دوی این دستخطها از نواحی استان چارجوی، یعنی محل اصلی زندگی سید نظر بدست آمده است. در یکی از این دستخطها در ابتدا توضیحاتی در باره محل و علل سروده شدن اشعار بیان شده است. اغلب این اشعار بطوریکه از محتوای آنها برمی آید، مربوط به وقایع تاریخی بیسن سالهای ۱۸۲۱ و ۱۸۲۳ میلادی میباشد که شاعر در این ایام علیه امرای بخارا و

حکام غارتگر خراسان در مبارزه بسوده و اغلب حوادث مهم تاریخی در آن اشعار انعکاس یافته است. لذا تصدیق نمودن اینکه سید نظر سیدی در سالهای ۱۸۰۸ یا ۱۸۱۰ به نواحی گوکلان نشین کوچ کرده است، نمیتواند پایه و اساس داشته باشد. وانگهی اثبات این مسئله که سید نظر سیدی حداقل در سالهای بیست قرن نوزدهم میلادی در نواحی ساحلی آمودریا زندگی میکرد و بعد از آن به مرو کوچ نموده کار چندان مشکلی نیست.

سیدی هنگامیکه ترکمنهای ارساری، مفیم ایالت چارجو، در اثر مظالم بیحد و حصر میر حیدر، امیر بخارا، علیه او علم ظغیان برافراشتند، با سرودن اشعار تهنیتی و حماسی نقش بسزایی در تشویق جوانان به جنگ علیه امیر را داشت. شاعر در اشعار خود خائنینی چون قساهرقلی را معرفی و رسوا می ساخت و سرداران خلی چون سلطان نیاز بک را تمجید و تعریف کرده است. متأسفانه جنبشهای آزادی طلبانه طایفه ارساری بعلمت خیانت خوانین و فتودالهای محلی با شکست مواجه شده و آنها مجبور به ترک زاد و بوم خود می شوند و با بستن قراردادی با محمد رحیم خان، خان خیوه، به وی پناه می آورند و به ناحیه مرو که در اختیار خان خیوه بوده کوچ می نمایند. سید نظر سیدی هنگامیکه با اتفاق افراد طایفه خود لباب را ترک می نمود، چندین شعر حزن انگیز مانند "لباب، خوش اینسیدی"، "قالدینگ، خوش ایندی" سروده و در این اشعار عشق خود به میهن و هم میهنان خود را بنحو استادانه ای ترسیم مینماید. در یکی از این اشعار تاریخ وقوع این

حادثه غم انگیز را نیز بیان داشته و خطاب به لباب، محل سلوخت خود چنین نگاشته است:

یوز الملی یئل واطان دییب گزیلدی

اکین لمر اکیلدی، یا یلار غازیلدی

مۆنگ ایکی یوز بشر کم قرقده یازیلدی

تاریخین را تسنگیز حساب، خوش ایندی.

ادامه دارد

گام سنگین ۰۰۰

دائر برگرفته شدن "برخی اطلاعات جاسوسی" از او مطرح می کند. و وقتی توخاچفسکی از شاهد مزبور سؤال مینماید که: آیا شما همه اینها را در خواب ندیده اید؟ "رئیس دادگاه" و "اولر یخ" سخن توخاچفسکی را قطع می کند. پس از آن در این باره صحبتی نمی شود.

استالین آدمی نبود که تمامی مسائل و خیرهای درج شده و یا جعلی جاسوسی را باور کند. حتی اگر این جعلیات نیز وجود نمی داشت، او در مورد افراد مخالف خویش نیات کثیف دائر بر سر به نیست کردن آنان را اجرا می کرد. بعد از اتمام کار توخاچفسکی نیز هیچگونه سند جعلی به استالین داده نشد. اما تبعید و حبس و شکنجه و تیر باران هر چه بیشتر گسترش یافت. آمار تلفات ناشی از سیاست ترور استالینی در این دوره، بیشتر از تلفات دوره جنگ ضد فاشیستی (۱۹۴۵-۱۹۴۱) در رابطه با نابودی کادرها و خبرگان نظامی ارتش سرخ بود.

ادامه دارد

رویدادهای جهان

اعلام تشکیل دولت فلسطین

با آغاز دومین سال خیزش انقلابی خلق فلسطین، شورای عالی فلسطین در نوزدهمین اجلاس خود در الجزایر ضمن پذیرش قطعنامه ۱۸۱ سازمان ملل - بر اساس تقسیمات سال ۱۹۴۷ - و نیز قطعنامه های ۲۴۲ و ۲۳۸ شورای امنیت سازمان ملل، تشکیل دولت فلسطین را اعلام کرد.

اعلام تشکیل دولت فلسطین به رهبری که با حمایت کامل فلسطینیهاروبرو گردید، ضربه سنگینی بر پیکر صهیونیسم می باشد. قیام یکساله اخیر در مناطقی اشغالی و اعتصابات توده ای پی در پی فلسطینیها که ارتش سرکوبگرو تا ندان مسلح اسرائیل را مستأصل کرده بود، ثابت کرد که تنها و تنها با اتکا به نیروی لایسزال خلق و سازماندهی و سیخ توده ها و یکسار گیری دیپلماسی صحیح متکی به شرایط مساعد بین المللی، می توان ضمن منزوی ساختن دشمن، حمایت بین المللی افکار مترقی را جلب نمود و به پیروزی نزدیک شد.

مبارزات خلق فلسطین اکنون وارد فاز جدیدی شده است. تشکیل دولت فلسطین در واقع گذار از دوره مبارزات چریکی مسلحانه پیشین به دوره دیپلماسی و مبارزات مسالمت آمیز است.

رهبری ساف بدنبال تشکیل دولت فلسطین، رد قطعنامه ۱۸۱ سازمان ملل از طرف این سازمان را بعنوان "اشتباه تاریخی" نام برد. اگر ساف این قطعنامه را بهنگام تشکیل دولت اسرائیل می پذیرد

دولت فلسطین به قدمت دولت اسرائیل می داشت.

شورای عالی فلسطین با پذیرش قطعنامه های صوب سازمان ملل متحد که مبنی بر به رسمیت شناختن موجودیت اسرائیل در مرزهای قبل از جنگ شش روزه ۱۹۶۷ است و با اعلام دولت فلسطین کام بزرگی در جهت منزوی ساختن دولت اسرائیل و خنثی نمودن تبلیغات مسموم آن برداشت. دولت اسرائیل تاکنون سازمان آزادیبخش فلسطین را بعنوان سازمان تروریستی معرفی نموده و سرکوب جنبش فلسطینی ها را با "ایجاد امنیت" و "مقابله با تروریسم" توجیه می کرد. اکنون این حربه سرکوب و تبلیغاتی از دست دولت صهیونیستی گرفته شده است.

اعلام دولت فلسطین که از طرف قریب به ۴۰ کشور جهان به رسمیت شناخته شده، دولت اسرائیل را از طرف افکار بین المللی و متحدانش تحت فشار شدیدی قرار داد. اکثر احزاب و سازمانهای مترقی اپوزیسیون کشورهای جهان نیز از اعلام دولت فلسطین حمایت بعمل آوردند. استقبال اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضو بازار مشترک و فشار افکار عمومی آمریکائیان خود نشانگر انزوای هر چه بیشتر اسرائیل می باشد.

از طرف دیگر با پیروزی حزب لیکود به رهبری شامیر در اسرائیل و فشاری لجوجانه آنها در رد مذاکره با سازمان آزادیبخش فلسطین و امتناع از تشکیل کنفرانس بین المللی برای حل مسئله فلسطین و کوشش در جهت وادار نمودن

فلسطینی ها به قبول خود مختاری محدود سازمان آزادیبخش فلسطین را در موضع برتر بین المللی قرار داده است.

اکنون بهترین فرصت تاریخی برای فلسطینیها ایجاد شده تا به کمک آن بتوانند با بهره گیری از شرایط مساعد بین المللی و تداوم مبارزه در مناطق اشغالی، دولت اسرائیل را هر چه بیشتر منزوی ساخته و با پافشاری بر روی تشکیل کنفرانس بین المللی و "طرح صلح یاسر عرفات" (۱) به آرزوی دیرینه خلسق فلسطین جامه عمل بپوشاند.

(۱) - "طرح سه مرحله ای یاسر عرفات" در همین شماره ترکمنستان ایران آمده است.

پاکستان

سرانجام انتخابات پارلمان پاکستان با پیروزی "حزب مردم پاکستان" بریاست بی نظیر بوتو، دختر مرحوم ذوالفقار علی بوتو، پایان یافت. با پیروزی این حزب که اکثریت کرسی های مجلس را کسب کرده و در نتیجه با تشکیل حکومت غیرنظامی بریاست بی نظیر بوتو، به حکومت چندین ساله نظامیان در پاکستان پایان داده شد.

"حزب مردم پاکستان" که دولت بنیاد در صفحه ۲

لطفاً به تغییر آدرس فشریه توجه فرمایید!

آدرس در خارج از کشور

POSTFACH 210101

5000 KÖLN 21

WEST-GERMANY

پایدار باد خاطرۀ شهدای جاوید خلق ترکمن!